

قانون دادرسی و کیفر ارتش اختیارات مخصوصی بدادستان ارتش داده است و آن عبارت از حق تقاضای تجدید نظری است که بموجب ماده ۱۶ دادستان میتواند از آن استفاده نماید و بموجب این ماده اگر حکمی از دیوان حربهای تشکیل شده در پایتخت یا استانها یا شهرستانها صادر شود و حکم مزبور قانوناً قابل تجدید نظر بوده و در موعد مقرر دادستان دیوان حرب تقاضای تجدید نظر نکرده باشد دادستان ارتش حق دارد پس از ملاحظه حکم مزبور در موعد قانونی نسبت بآن حکم تقاضای تجدید نظر نماید بعلاوه بموجب ماده ۱۸ اجرای رأی دیوانهای حرب در تمام کشور موکول بموافقت دادستان ارتش و درج آن رأی در حکم وزارت جنگ میباشد و امتیازی که بموجب این ماده بدادستان ارتش داده شده است دادستانهای محاکم عمومی ندارند فقط نظیر اختیار مذکور در ماده ۱۶ بدادستان استان (مدعی العموم استیناف) داده شده است که بموجب ماده ۳۵۱ قانون اصول محاکمات جزائی اگر طرفین از حکم محکمه جنحه تقاضای رسیدگی استینافی کردند دادستان استان هم میتواند تا قبل از اعلان ختم محاکمه تقاضای استیناف از حکم محکمه جنحه نماید و اگر هیچیک از اشخاصیکه حق تقاضای استیناف دارند از حکم محکمه جنحه استیناف نداده باشند مدعی العموم استیناف فقط تا یک ماه از تاریخ اعلان حکم در محکمه جنحه حق دارد از آن حکم استیناف بدهد.

بطوری که می بینیم این اختیار تقریباً نظیر اختیاری است که بموجب ماده ۱۶ بدادستان ارتش برای حق تجدید نظر از احکام دیوانهای حرب داده شده است ولی تفاوتی که با اختیار مزبور دارد اینست که حق تقاضای تجدید نظر دادستان ارتش نسبت باحکام دیوانهای حرب تمام کشور است در صورتیکه دادستان استان فقط نسبت به احکام محاکم جنحه حوزه صلاحیت خود که محدود به حوزه استان است چنین حقی را دارد.

نظیر دیگر اختیاری که ماده ۱۶ بدادستان ارتش داده است بموجب ماده ۴۶۴ قانون اصول محاکمات جزائی بمدعی العموم دیوان تمیز (دادستان دیوان کشور) نیز داده شده است که اگر حکم یا قرار از محکمه جزا صادر شد و هیچیک از طرفین در مدت مقرر نسبت بآن تقاضای رسیدگی تمیزی نکنند مدعی العموم تمیز میتواند

برای حفظ قانون از آن حکم یا قرار تمیز بخواهد اگر چه اصلاً آن حکم یا قرار قابل تمیز نباشد ولی رأی دیوان کشور که در اثر تمیز خواستن مدعی العموم دیوان مزبور صادر میشود در باره هیچ يك از طرفین دعوی مؤثر نیست در صورتیکه در اثر تقاضای تجدید نظر دادستان ارتش رایی از دیوان تجدید نظر صادر گردد نسبت بطرفین دعوا مؤثر خواهد بود و این تفاوت بین تقاضای تمیزی که از طرف مدعی العموم دیوان تمیز میشود و تقاضای تجدید نظری که از طرف دادستان ارتش بعمل میآید موجود است و تفاوت دیگری هم وجود دارد و آن عبارت از این است که مدعی العموم تمیز از حکم و قرار می هم که قانوناً قابل تمیز نباشد می تواند تمیز بخواهد در صورتی که دادستان ارتش فقط از حکمی که قانوناً قابل تجدید نظر باشد آنهم در مدت مقرر می تواند درخواست تجدید نظر نماید.

دادستانهای نظامی: عبارت هستند از دادستان دیوانهای حرب عادی و دادستان دیوان تجدید نظر احکام از دیوان حرب عادی و دادستان دادگاه انتظامی و دادستانهای دیوان حرب زمان جنگ و دیوان تجدید نظر زمان جنگ و همچنین دادستان دیوانهای حرب در نقاطی که حکومت نظامی اعلان شده و دادستان دیوان تجدید نظر در نقاطی که بحال حکومت نظامی که وظائف هر يك از دادستانهای مزبور و طرز انتخاب آنان در مواد مربوطه قانون دادرسی و کیفر ارتش معین و تصریح شده است.

ضابطین نظامی: بموجب ماده ۱۲۲ قانون دادرسی و کیفر ارتش ضابطین نظامی مأمورینی هستند که مکلف بپابازرسی و تحقیق بزه‌هایی که در حدود صلاحیت دادگاههای نظامی است بوده و اقداماتی که برای جمع آوری دلایل و مدارک مربوطه و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و تعقیب قانونی قضیه لازم است بعمل میآورند و مطابق ماده ۱۲۳ همان قانون وظیفه ضابطین نظامی بوسیله مأمورین دژبانی و امنیه و دادستانها و باز پرسهای نظامی اجرا میشود و در موارد جرم مشهود اگر ضابطین نظامی حضور نداشته باشند افسران و درجه داران وظیفه آنانرا انجام میدهند و بعلاوه در این مورد ضابط دادگستری هم مکلف است وظیفه ضابطین نظامی را انجام دهد و بطوریکه بیان شد کلیه ضابطین نظامی در اموریکه بآنها ارجاع میشود تحت نظارت دادستان ارتش میباشند.